



سیری گذرا در شبهات فقهی

نعمت الله یوسفیان
دکترای فقه و اصول

فقه اسلامی همراه با پرسش‌های نوین در عرصه زندگی تکوّن یافته و به مرور زمان متحول شده است.

آنچه در طول تاریخ پر افتخار و زرین فقه اسلامی مایه رشد فزاینده و بالندگی آن شده، اجتهاد در مسائل جدید و توان پاسخگویی به شبهات و حل معضلات زندگی بوده است که همواره با نشاط در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی حضور یافته و نیازهای پرسشگران را به نیکی پاسخ داده و سرفراز بیرون آمده است.

وقتی به کتاب‌های فقهی می‌نگریم، می‌بینیم مسائل فقه قبل از شیخ طوسی به آنچه در روایات آمده بود محدود می‌شد؛ اما وی بر حسب نیاز مردم به احکام و فروع فقهی جدید، آن را گسترش داده، کتاب «مبسوط» را نگاشت و در دوره‌های بعد نیز فقیهان؛ با تحقیقات و اجتهاد جدید بر مسائل فقه افزودند، به طوری که در زمان صاحب جواهر، یک دوره فقه افزون بر چهل جلد کتاب گردید. شیخ انصاری نیز مبانی و مسائل جدیدی را بر همین اساس در فقه پی ریزی کرد و به گسترش آن پرداخت. این سیر تحول در فقه همچنان ادامه یافت تا به زمان حاضر و عینیت آن در همه زوایای زندگی فردی و اجتماعی رسید و توانایی خود را در اداره انسان و اجتماع و حل معضلات اجتماعی به خوبی به اثبات رسانید.

بازار پرحرارت شبهه افکنی^(۱)

زعامت و رهبری دینی، نظام جمهوری اسلامی و مبانی فقهی و حقوقی آن، عملکرد دولتمردان نظام اسلامی و عینی و عملی شدن فقه و اجتهاد در برخورد با معضلات، کینه توزی معاندان و مخالفان و قرائت خاص روشنفکری دینی از اسلام، از جمله عناصری هستند که بازار شبهه افکنی در حوزه مباحث دین پژوهی و از جمله فقه را پرحرارت کرده‌اند.

شبهاتی که در حوزه مباحث فقهی کم و بیش مطرح می‌شود در موارد زیر قابل دسته بندی است:

۱- شبهات ناشی از شیوه دین‌شناسی و اجتهاد فقهی

برخی از اشکالات از ناحیه نوع‌گرایی در شریعت و شیوه اجتهاد فقهی ناشی می‌شود و از نوع استنباط خبر می‌دهد. به عنوان مثال اهل سنت به نوعی و شیعه به نوعی دیگر با مسائل جدید و مورد نیاز برخورد می‌کنند و قهراً طریقه اجتهاد و استنباط آنان با یکدیگر تفاوت پیدا می‌کند. مشکل وجود در میان اهل سنت از ناحیه مسدود کردن باب اجتهاد و همچنین ذهنیت فرد‌گرایانه بودن فقه در شیعه که به جهت دوری شیعیان از نظام سیاسی ایجاد شده، از نوع‌گرایی در شریعت و شیوه اجتهاد فقهی نشأت گرفته است. بنابراین، شبهه فرد‌گرایانه بودن فقه و ناتوان دانستن آن در حل معضلات اجتماعی از نوع نگرش به فقه ناشی می‌شود. این نوع نگرش را می‌توان با نگرش بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره مقایسه و تفاوت دو دیدگاه را مشاهده کرد. حضرت امام (ره) فرمود:

«فقه» تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است، هدف اساسی این است که ما می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم، و همه ترس استکبار از همین است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد.^(۲)

و یا فرمود:

فقه شیعه غنی‌ترین فقه و قانون در دنیا است و چنین فقهی نه در دنیا و

نه در میان مسلمانان و نه در بین غیر مسلمین وجود ندارد. (۳)

بدیهی است که چنین نگرشی به فقه، ذهنیت فرد گرایانه بودن آن را از بین می‌برد و تلاش می‌کند توانمندی فقه را در عرصه اجتماع و حل معضلات و رویارویی نوین عینیت بخشد.

۲- شبهات ناشی از تمدن جدید

پارهای از اشکالات از بروز و ظهور تمدن جدید (رشد صنعت و تکنولوژی) و توسعه آن ناشی می‌شود.

این قبیل شبهات تقریباً از اواخر قرن نوزدهم میلادی که مسلمانان با فرهنگ و تمدن جدید غرب روبه‌رو شدند و تمایلی در تأثیر پذیری و الگوگیری از آن در مسلمانان پدید آمد، نمود بیشتری یافت.

بر این اساس گفتند: احکام فقهی با پیشرفت زمان، رشد صنعت و تکنولوژی، توسعه تمدن و فرهنگ و صور متغیر زندگی سازگار و قابل انطباق نیست پروفوسور «رنه داوید» حقوقدان مشهور فرانسوی در این باره می‌نویسد:

بسیاری از احکام فقهی می‌توانستند در زمان خود مناسب و کافی باشند؛ اما امروزه متروک به نظر می‌رسند و حتی ممکن است به نظر ما زنده آیند. از آن زمان که کشورهای با اکثریت مسلمان، عدم تحرک خویش را رها کردند و طی قرن‌های نوزده و بیست در جست و جوی آن برآمدند که کشورهای غربی را نمونه خود قرار دهند - زیرا نه فقط رفاه مادی بلکه اندیشه‌های سیاسی و طرز تفکر اخلاقی و معنوی این کشورها ایشان را به خود جلب کرده بود - عدم انطباق فقه با شرایط و اندیشه‌های نوین مشکلی ایجاد کرده. (۴)

برخی دیگر نیز در جریان نهضت مشروطه در ایران نوشتند:

قوانینی که یک هزار و سیصد سال قبل نهاده‌اند، برای تازیان جزیره العرب بوده است نه برای مردم ایران و این زمان. (۵)

امروزه نیز برخی از روشنفکران شبهه می‌کنند که:

امروزه مگر می‌توان انکار کرد که غوغای صنعت و تجارت و غبار روابط تیره سیاسی جهانی را فقه فرو نمی‌نشاند و غول عظیم مشکلات

بشر امروز را فقه مهار نمی‌کند؟ (۶)

بنابراین، شبهه عدم انطباق فقه با تمدن جدید و پیشرفت‌های زمان و نیز شبهه سکولارها در مدیریت فقهی و عدم توانایی فقه در مدیریت جوامع نوین، قابل اجرا ندانستن فقه، غیر منطبق و ناسازگار دانستن حدود، تعزیرات و احکام حقوقی اسلام با مدنیت جدید، و شبهاتی دیگر از این قبیل - اگر با سوءنیت و اهداف شیطانی شبهه افکنان مشوب نباشد - از ناحیه بروز و توسعه تمدن جدید و رویارویی فقه با آن ناشی می‌شود.

۳- شبهات ناشی از گسترش ناگهانی حوزه زندگی انسان‌ها

برخی از اشکالات، از گسترش حوزه روابط انسان‌ها نشأت می‌گیرد؛ بدین معنا که مردم و جامعه دینی در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و تعامل با دیگران دچار مشکلاتی می‌شوند حال، این مشکلات گاهی از ناحیه ایراد گرفتن به حریم فقه از سرفتنه انگیزی و مانند آن است که شبهه می‌کنند فقه توان پاسخگویی به نیازهای مردم در این زمینه را ندارد. و گاهی نیز مشکلات از ناحیه خواسته‌ها و نیازهای به حق آنان است؛ از این رو، سولاتی در چگونگی تنظیم روابط با دیگران برای آنان پیدا می‌شود، جهت آگاهی از نظر گاه فقه و شریعت به عالمان و فقیهان راستین رجوع می‌کنند تا ضمن دریافت پاسخ در مقام عمل، زندگی خود را منطبق با فقه و شرع نمایند.

امروزه هزاران مسأله نوظهور در همین رابطه پیدا شده که انگیزه سوال کنندگان رهایی از حیرت و آگاهی از شریعت و احساس نیاز در تطبیق زندگی خود بر اساس آموزه‌های دینی بوده است.

طرح مسائلی از قبیل بانکداری، پول و اسکناس، بیمه، مسائل مالی و اقتصادی، مسائل هنری، مسائل پزشکی، مسائل فرهنگی و دهها مسأله مستحدثه دیگر از همین ناحیه ایجاد شده است و فقه توانایی خود را در پاسخ به این نیازها نشان داده است.

تأملی در ماهیت شبهات

شبهه افکنان کوشیده‌اند تا فقه را در اداره انسان و اجتماع ناتوان جلوه دهند و به گونه‌ای وانمود کنند که توانایی فقه در همان محدوده جوامع تکامل نیافته قرون گذشته بوده و با توجه به گسترش جوامع کنونی، دوران افول عملکرد فقهی در سطح اجتماعی از

مدت‌ها پیش شروع شده و در این مسیر حرکتی شتابدار یافته است. بیشتر آنها به خاطر قرائت خاص روشنفکری دینی از اسلام و موضع‌گیری و کسینه توزی نسبت به رهبری دینی و مبانی فقهی و حقوقی نظام جمهوری اسلامی، در مقام پاسخ یابی و حل معضلات و مشکلات فکری و فرهنگی نیستند و به تعبیر یکی از بزرگان، «اینان شبهه علمی ندارند، بلکه شهوت عملی دارند، می‌خواهند جلوشان باز باشد و هر کاری که خواستند انجام دهند؛ کسی که شبهه علمی دارد به عنوان رایزن فرهنگی در صدد پاسخ یابی و حل مشکل است و چنانچه پاسخ منطقی و دقیقی بر شبهه علمی خود بیابد می‌پذیرد، ولی کسی که شهوت عملی دارد، راهزن فرهنگی است و با انگیزه‌های شیطانی، فتنه‌انگیزی و شبهه‌پراکنی می‌کند، تهمت و افترا می‌زند، حقایق را تحریف و حتی انکار می‌کند تا زمینه را برای لابی‌گری و بی‌بندوباری فراهم سازد.»

بنابراین، در واقع تضاد اصلی بسیاری از شبهه افکنان، با عقاید و مبانی دینی و نظام مقدس اسلامی است که در راس آن ولایت فقیه قرار دارد. از این رو، گاهی نوک حمله را به طور مستقیم به رکن رکن انقلاب متوجه کرده و گاهی نیز فرهنگ اسلامی و حافظ آن یعنی فقه را مورد تهاجم قرار می‌دهند؛ چرا که فقه و فقاہت و ولایت فقیه و نظام دینی را سد راه دستیابی به شهوت عملی خود می‌بینند و با وجود آنها نمی‌توانند هر عقیده‌ای را ترویج کنند.

اینک به بیان برخی از شبهات مطرح شده به طور فهرست وار می‌پردازیم و شما با دقت در سیاق شبهات به عدم تخصص شبهه افکنان در حوزه مباحث فقهی و انگیزه‌های شیطانی و شهوت عملی آنان برای ترویج فرهنگ منحط غربی در جامعه پی خواهید برد:

- ۱- فقه سنتی هرگز نمی‌تواند به جامعه مدنی و مدرن رهنمون شود و با رواداری و جوانی کردن و شادی، ناسازگار است. (۷)

- ۲- فقه و شریعت، مشمول مرور زمان می‌شود و لایتنجیر نیست، احکام برای مردم اند، نه مردم برای احکام؛ لذا اگر مردم عوض شوند، احکام هم باید عوض شوند. (۸)
- ۳- طبق نظر قرآن، هر حکمی که فوق طاقت جسمی یا روحی انسان بشود ملغاست، طاقت و وسع هم به حسب زمان‌ها تغییر می‌کند. لذا اگر بر حسب مرور زمان، حکمی از احکام اسلامی قابل تحمل برای مردم نبود و لواز نظر روحی، آن حکم ساقط است. (۹)
- ۴- در بُعد فرهنگی سه مشکل هست که حوزویان باید آن را حل کنند: یکی موسیقی

به نحوی که انسان هر وقت دلش خواست ضبط را روشن کند و یکی هم رقص و دیگری ماهواره به نحوی که در فیلم به زنان از زانو به بالا عریان، هم بتوان نظر انداخت. (۱۰)

۵- اباحه گری جزو لاینفک جامعه مدنی است، جامعه ما با مشکل کمبود قطار شادی، آواز خوانی و دست افشانی و نواختن موسیقی روبه روست. (۱۱)

۶- فقه، قابلیت اجرا در همه زمان‌ها را ندارد و حکومت دینی به معنای اجرای احکام شریعت نیست. (۱۲)

۷- حکومت، فلسفه عملی تمام فقه نیست و ارتباط با جهان خارج در پاره‌ای از موارد ما را ملزم می‌کند که از فقه و احکام دینی عدول کنیم. (۱۳)

۸- حکومت دینی هرگز به معنای اجرای احکام فقهی نیست. در هیچ جا حضرت علی (ع) امر به اجرای احکام فقهی مثل حجاب یا نوع عبادت مردم نکرده است، بلکه همواره بر اجرای عدالت و منع ظلم تاکید داشته است. چه برسد به اینکه فقه فعلی ما چیزی جز نظریات علما و فقهای قدیم و جدید نیست. (۱۴)

۹- اسلام، هیچ حکمی در باب سیاست، نسبت به مسائل عصر ما ندارد و بسیاری از فتاوی فقها در این زمینه توجیه عقلایی ندارد، حتی احکام جزایی اسلام هم می‌تواند مشمول مرور زمان گردد. (۱۵)

۱۰- احکام کیفری اسلام، کارآیی ندارد و موجب رواج خشونت می‌گردد، مجازات‌های سنگین بدنی چون سنگسار، سیاست‌های کیفری در حق زنان و غیر مسلمانان، از آن جمله‌اند. (۱۶)

۱۱- اجرای حکم ارتداد با دفاع از مقدسات، منافات دارد؛ زیرا اسلام را دین دشنه و خلاف منطق معرفی می‌کند. (۱۷)

۱۲- حکم «ساب النبی و الائمه» قتل نیست، بلکه باید آن را تحمل کرده، مقابله به مثل هم نکرده و... (۱۸)

در این شبهات و شبهاتی دیگر از این قبیل، احکام مسلم فقهی مورد انکار قرار گرفت تا آنجا که اجرای حدود بدون استناد تلقی گردید، ارتداد حق طبیعی انسان و اجرای حکم آن با دفاع از مقدسات دینی مغایر دانسته شد. فقه و شریعت مشمول مرور زمان معرفی شد. حقوق مسلم اسلامی نادیده گرفته شد و در تعارض تکالیف دینی با حقوق بشر،

حقوق بشر مقدم داشته شد، احکام مسلم ارث، قصاص، حق حضانت، «طلاق»، نفقه و ده‌ها فرع دیگر فقهی مورد تردید قرار گرفت و با زیر سوال بردن این مسلمات، در نهایت اندیشه دینی تقلید و رجوع به کارشناسان اسلامی در عصر غیبت امری عوامانه و جاهلانه تلقی گردید.

سخنی به بهانه پاسخ

همان طور که روشن شد شبهات گاهی در سطح کلان مطرح می‌شوند و صلاحیت فقه را در اداره انسان و اجتماع از اساس مورد اشکال قرار می‌دهند و گاهی به مصادیق و ابواب مختلف فقه پرداخته و به قابلیت اجرای آنها در عصر حاضر خدشه وارد می‌کنند و آنها را نا کارآمد معرفی می‌نمایند؛ این از یک سو. از سوی دیگر، برخی از این شبهات، موسمی اند، زمان مصرف کوتاه مدت و زودگذر دارند و از سرفتنه انگیزی و غرض ورزی و با انگیزه‌های سیاسی مطرح می‌شوند و برخی نیز از پیشینه تاریخی برخوردارند و در گذشته به آنان پاسخ داده شده است؛ اگر چه امروزه با آرایه‌های جدیدی مطرح می‌شوند.

در هر صورت پرداختن به تک تک شبهات به طور مستقل، بررسی اهداف و انگیزه طرح و پاسخ تفصیلی به آنها به مقالات متعدد نیاز دارد، ولی آنچه در قسمت پایانی این نوشتار به بهانه پاسخگویی و به اختصار می‌توان گفت تذکر چند نکته است:

۱- در باور ما، اسلام دینی جامع و کامل است و برنامه آن یعنی فقه - که مجموعه باید‌ها و نبایدهای دینی را تشکیل می‌دهد - نیز جامع است و تمام عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد.

بر این اساس، سخن برخی از روشنفکران راجع به فقه که می‌گویند فقه برای جوامع تشعب نیافته است، از نوع نگرش و تلقی آنان از دین ناشی می‌شود و اشکال آنها در واقع و به طور مستقیم به خود دین بر می‌گردد. چنان که در مباحث معرفت شناسانه خود به آن تصریح کرده‌اند.

علاوه بر اینکه سخن آنان بدون دلیل و از روی هوا و گمان است؛ پیاده نشدن فقه در طول زمان، مساله‌ای است و ناکارایی آن، مساله دیگر؛ آنان باید ثابت کنند که فقه در

جایی پیاده شده و کارایی نداشته است و گرنه سخنان بی دلیل است.

۲- اگر بخواهیم یک قضاوت تاریخی نسبت به فقه کنیم نتیجه‌اش این می‌شود که بگوییم فقه، محدود، ناکافی و نارسا است و توانمندی لازم برای اداره جامعه بشری را ندارد و یا شبهات عجیب و غریب دیگری را که امروزه در میان روشنفکران داخلی و خارجی نسبت به فقه می‌بینیم، به ساحت فقه وارد کنیم؛ زیرا آنچه در طول تاریخ اسلام و تشیع تاکنون از فقه بروز کرده، بخشی از توانمندی‌های فقه بوده که خود را نشان داده است و البته این موضوع به بحث جامعه‌شناسانه نیاز دارد که چرا بخش‌های دیگر فقه مانند چهره حکومتی آن در صحنه عمل اجتماعی بشر مهجور مانده و خود را به خوبی نشان نداده است.

اما اگر حقیقت فقه را در بستر و سیر عقلانی بخواهیم بررسی کنیم خواهیم دید که تمام آن حقیقت بنا به دلایلی در طول تاریخ خود را نشان نداده است و برای تحقق کامل آن حقیقت در مقام عینیت، شرایط و زمینه‌های لازم باید فراهم شود. یکی از مهم‌ترین آنها استقرار نظام مقدس اسلامی و حاکمیت دینی است که مفسر احکام و به تعبیر امام راحل (ره)، فلسفه عملی تمامی فقه در تمام زوایای زندگی بشریت و نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است.

۳- شبهه در مدیریت فقهی در واقع برای خارج کردن دین از صحنه زندگی طراحی شده است.

مدیریت در شأن فقه است و در حکومت و مدیریت به سیاست ورزی و استراتژی عمل نیاز داریم و پشتوانه این سیاست ورزی عبارت از اصولی کلی است که ساخته دین است. به عنوان مثال اینکه سیاست خارجی ما چگونه باشد، برخورد دیپلماتی ما در ارتباط با آمریکا، اسرائیل و دیگر کشورها چگونه باشد، روابط داخلی را چگونه تنظیم کنیم و اموری دیگر از این قبیل همه و همه به پشتوانه نیاز دارد و پشتوانه این گونه سیاست ورزی‌ها اصولی کلی است که از ناحیه دین و از سنت و سیره و آیات قرآن استخراج می‌شود و چنین کاری به طور مشخص بر عهده فقه است.

اما علم، تکنولوژی و صنعت، ابزار ساز است و توانایی علم در ساختن وسایل دفاعی، جنگنده، بمب افکن، ماهواره و مانند آن است که این ابزار در مرحله تاکتیک،

عمل و اجرا به کار می‌آیند. ولی چگونگی به کارگیری محصول علم باید تحت تاثیر استراتژی‌هایی باشد که دین‌ارایه می‌دهد. چنان‌که دین در ساختن وسایل و ابزار نیز نظر دارد و آنها نیز باید تحت کنترل باشند.

بنابراین، دین و فقه برای مدیریت کردن به ابزار نیاز دارد و علم این ابزار را می‌سازد. ۴- پاره‌ای از شبهات در حوزه فقه در زمینه عدم انطباق شریعت اسلامی با دنیای متحول، با تقسیم احکام شرعی به ثابت و متغیر پاسخ داده می‌شود. علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید:

«همان‌طور که انسان یک رشته احکام و مقررات ثابت و پابرجا؛ که به اقتضای نیازمندی‌های ثابت طبیعت و یکنواخت او وضع شود، لازم دارد، همچنین به یک رشته مقررات قابل تغییر و تبدیل نیازمند است و هرگز اجتماعی از اجتماعات انسانی بدون این‌گونه مقررات حالت ثابت و بقا را به خود نخواهد گرفت... در مورد همین قسم از احکام و مقررات، در اسلام اصلی داریم که... از آن به «اختیارات والی» تعبیر می‌کنیم و این اصل است که در اسلام به احتیاجات قابل تغییر و تبدیل مردم در هر عصر و زمان و در هر منطقه و مکانی پاسخ می‌دهد. (۱۹)»

۵- روح منطقی اسلام و وابستگی کامل آن با فطرت، فقه را طوری انعطاف‌پذیر قرار داده که قابل انطباق با همه نیازهای نوین بشر باشد. شهید مطهری می‌فرماید:

یک قانون جاودانه اگر بخواهد بر تمام صور متغیر زندگی احاطه نماید و راه حل مشکلات را ارائه دهد و هر مشکلی را به صورت خاصی حل نماید، باید از نوعی دینامیسم و تحرک و از نوعی انعطاف بهره‌مند باشد، خشک و جامد و انعطاف‌ناپذیر نباشد، اکنون باید ببینیم اسلام با حفظ اصل: «حَلَالٌ مُّحَمَّدٍ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامٌ مُحَمَّدٍ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» چگونه راه‌حل‌های مختلف در صور گوناگون زندگی را نشان می‌دهد؟

مسلماً باید در سیستم قانونگذاری اسلام راز و رمزی نهفته باشد تا بتواند بر این مشکل عظیم فایق آید. مادر و منبع همه رازها و رمزها،

روح منطقی اسلام و وابستگی کامل آن به فطرت و طبیعت انسان و اجتماع و جهان است. (۲۰)

۶- برخورد حذقی و انکار پاره‌ای از مسائل فقهی از قبیل احکام جزایی اسلام نظیر قصاص، حدود، اجرای حد ارتداد و مانند آن و ناکارآمد معرفی کردن آن در عصر حاضر و ناقض حقوق بشر دانستن آن و خشن شمردن آن، ادعایی بی دلیل و نشانگر نهایت کینه توزی معاندان اسلام نسبت به فقه و حاکمیت دینی است. در حالی که این قبیل امور همچون ده‌ها فرع دیگر فقهی از ضروریات دینی ما است و اجرای آن در جامعه بر حاکم اسلامی لازم است اگر چه دشمنان بر آن خدشه کنند و اجرای آن را برنتابند.

علاوه بر اینکه آثار بی شمار این گونه احکام مثل آفتاب روشن است و به همین دلیل در ممالک اسلامی آثار جرم و جنایت به مراتب کمتر از کشورهای غربی است.

۷- بیشتر شبهه‌کنندگان در موضوع فقه تخصص ندارند، در حالی که اظهار نظر در این گونه موارد نیاز به تخصص دارد.

۸- اگر در طرح و ارایه این گونه شبهات سؤنیت از ناحیه شبهه افکنان در کار نیست و از حسن ظن و دلسوزی ناشی شده، شایسته آن بود که به اهل فن مراجعه می‌کردند و مشکلات خود را با متخصصان در حوزه مباحث فقهی مطرح و پاسخ خود را دریافت می‌کردند و باورهای دینی مردم را این قدر مورد هجوم قرار نمی‌دادند.

به عقیده ما بسیاری از شبهات و جملات ناجوانمردانه به حریم فقه از ناحیه شبهه افکنان، در اثر سوء استفاده از موقعیت نظام اسلامی و آزادی موهوم و زیر چتر توسعه سیاسی و با اهداف شیطانی و فتنه‌انگیزی صورت گرفته و اغراض غیر منطقی خود را در قالب شبهه در سطح جامعه به ویژه در میان جوانان و مراکز دانشگاهی انتشار می‌دهند.

۹- علاوه بر این بر طبق کدام اصل ما باید با تغییرات زمانه گر چه باطل و یاوه باشد، همراه شویم و از اعتقادات مستدل و صحیح خود دست برداریم؟

مگر نظام‌های غیر دینی توانسته‌اند مشکلات ملت‌های خویش را بر طرف سازند؟ مگر در جوامع غیر دینی، زندگی ایده آل و بدون نقص و کاستی است؟ مگر جوامع غیر دینی علاوه بر مشکلات عادی، هر روز با مشکلات جدید و بعضاً لاینحل رو به رو نمی‌شوند؟ مگر همین نظام‌های غیر دینی نیستند که هزاران نوع جنایت و ستم را با پوشش تجدد و

حقوق بشر دروغین مرتکب می‌شوند و خم به ابرو نمی‌آورند؟ به چه دلیل قوانین و مقررات آنها قابل اجرا است و قوانین اسلام قابل اجرا نیست؟! و به چه دلیل ما باید از باطل آنان پیروی کنیم و آنان از حق ما پیروی نکنند؟

چرا ما از خرافات و شرک آنها واهمه داشته باشیم، ولی آنان از اینکه در برابر خدا و فرمان او شریک می‌تراشند بیم ندارند؟!

«وَ كَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ...» (انعام: ۸۱)

چگونه من از بت‌های شما بترسم؟! در حالی که شما از این نمی‌ترسید که برای خدا، همتایی قرار داده‌اید.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - منظور از «شبهه»، القای هر موضوع یا مطلبی است که با انگیزه دریافت حقیقت و تنویر افکار یا با هدف مبارزه فکری، حکومت اسلامی و مبانی اندیشه دینی و نهاد روحانیت و متفکران دین مدار را به چالش فرامی‌خواند.
- ۲ - صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۷.
- ۳ - همان، ج ۱، ص ۱۲۲.
- ۴ - نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، رنه داوید، ترجمه حسین صنایی، محمد آشوری و عزت‌الله عراقی، ص ۴۵۴، مرکز دانشگاهی تهران سال ۱۳۶۹.
- ۵ - مجله آینه اندیشه، شماره ۵، ص ۲۴ به نقل از روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، ص ۴۲-۴۳.
- ۶ - هفته نامه صبح، ویژه بررسی آرا و عقاید دکتر سروش، شانزدهم آبان ۷۴، ص ۴۵، به نقل از تفرج صنع.
- ۷ - آزادی یا توطئه! نگاهی به کارنامه مطبوعات شبهه افکن، جمعی از فضلا و روحانیان، ص ۹۸، به نقل از فصلنامه نگاه تو، بهار ۷۷.
- ۸ - همان، به نقل از ماهنامه کیان، بهمن ۷۷.
- ۹ - همان، ص ۱۳۱، به نقل از ماهنامه زنان، شماره ۵۹، ص ۳۳، دی ماه ۷۸.
- ۱۰ - همان، ص ۱۲۰، به نقل از روزنامه آفتاب امروز، مهرماه ۷۸.
- ۱۱ - همان، ص ۱۹۰، به نقل از فصلنامه نگاه تو، بهار ۷۷.
- ۱۲ - همان، ص ۹۸، به نقل از هفته نامه پیام هاجر، آبان ۷۷.
- ۱۳ - همان، ص ۱۱۷، به نقل از هفته نامه عصر ما، شماره ۱۴۰، ص ۶-۸، مورخه ۷۸/۹/۱۰.
- ۱۴ - همان، به نقل از ماهنامه چشم انداز ایران، شماره ۲، ص ۷۱، مهر - آبان ۷۸.
- ۱۵ - همان، ص ۹۶، به نقل از ماهنامه کیان، بهمن ۷۷.
- ۱۶ - همان، ص ۱۴۰.
- ۱۷ - همان، به نقل از رونامه صبح امروز، مهر ۷۸.
- ۱۸ - همان، به نقل از هفته نامه آبان، شماره ۹۵، ص ۶، تاریخ ۷۸/۷/۱۰.
- ۱۹ - بررسی‌های اسلامی، علامه طباطبایی، ص ۳۹-۴۳.
- ۲۰ - مجموعه آثار، شهید مطهری، ج ۳، ص ۱۸۹، انتشارات صدرا.